

تدوین چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور وحید مهران^۱، یلدا دلگشایی^۲، بهارک شیرزاد کبریا^۳، مهدی شریعتمداری^۴ چکیده:

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی عناصر تشکیل دهنده چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران و تدوین چارچوبی کیفی برای آن انجام شده است.

روش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر داده‌ها، کیفی بر مبنای رویکرد داده بنیاد نظاممند و از نظر نحوه اجرا اکتشافی بر مبنای رویکرد استقرایی می‌باشد. جامعه آماری متشکل از متخصصین و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مدیران ارشد آموزش و پرورش که بر اساس رویکرد آگاهانه و به روش گلوله برفی تعداد ۲۰ نفر برای مصاحبه انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای (سند کاوی) و روش میدانی (مصاحبه) استفاده شد. به منظور تعیین اعتبار یافته‌ها از سه روش کثرت‌گرایی شامل بازآزمون روش انجام کار، آزمون قابلیت اطمینان بین کدگذاران و استفاده از مصاحبه‌شوندگان جدید برای آزمون قابلیت اطمینان مدل استفاده شد که نشان داد داده‌ها از اعتبار لازم برخوردارند.

یافته‌ها: چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور دارای ۱۵۳ کد باز، ۲۱ کد محوری در قالب ۶ بعد مدل پارادایمی می‌باشد که مقوله محوری چارچوب؛ آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور (توانمندی- های شخصی والد، صلاحیت‌های نگرشی و شناختی والدین، صلاحیت‌های رفتاری و مهارتی والدین و صلاحیت‌های عاطفی و احساسی والدین) است؛ عوامل زمینه‌ساز شامل تحولات رشدی والدین، تعامل والدین با یکدیگر و فضا سازی مناسب؛ عوامل علی شامل خودآگاهی والدین، اهداف زندگی و سبک زندگی؛ عوامل مداخله‌گر شامل جهان جدید، فرهنگ زیست بوم و رسانه‌های نوین؛ راهبردها شامل تعامل والدین با مدرسه، نظارت و پایش، مدیریت معاشرت‌ها و صیانت و سلامت و نهایتاً پیامدها شامل رشد شخصیتی، رشد رفتاری، رشد هویتی و رشد ایمانی و معنوی بودند.

نتیجه گیری: والدین با به‌کارگیری راهکارهای ارائه شده می‌توانند نقش مؤثری در افزایش انگیزه فرزندان، رفع مشکلات رفتاری و عملکردی و پیشرفت تحصیلی آن‌ها ایفا کنند.

کلید واژه‌ها: چارچوب کیفی، آموزش والدین، مدیریت مدرسه محور، مدارس متوسطه.

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۵/۳۰

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۴/۳

-
۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. استادیار گروه حکمرانی آموزشی و سرمایه انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول) yal.delgoshai@iau.ac.ir
 ۳. دانشیار گروه حکمرانی آموزشی و سرمایه انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۴. استادیار گروه حکمرانی آموزشی و سرمایه انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

تربیت نسلی آگاه و آماده برای دریافت مسئولیت‌های اجتماعی مختلف مهم‌ترین دغدغه تمامی جوامع انسانی است. نهاد «خانواده» زیربنایی‌ترین و اصیل‌ترین نهاد اجتماعی است که این وظیفه خطیر را به دوش می‌کشد. از یک منظر خانواده در دو مقطع متفاوت اقدام به امر تربیت فرزندان خود می‌کند: تربیت فرزند از دوره نوزادی و کودکی و پیش از ورود به محیط رسمی آموزشی (مدرسه) و در مقطع دوم، دو رکن «خانواده» و «مدرسه» به طور توأمان وظیفه تربیت را به عهده می‌گیرند که در این بین، نقش مدرسه از جهات بسیاری محوری خواهد بود. هماهنگی هرچه بیشتر خانه و مدرسه می‌تواند زمینه آرامش و رشد بهتری را برای نسل آینده جامعه رقم بزند. آموزش خانواده به عنوان یک راهبرد اساسی برای مشارکت و همدلی این دو نهاد طی سالیان گذشته مورد توجه همه دغدغه‌مندان بوده و هست (مظاهری، ۱۳۹۳).

در طول فعالیت انجمن اولیا و مربیان، آموزش خانواده، کار خود را در قالب‌های مختلف و متنوعی مانند کانون مادران، انتخاب و آموزش مادران مشاور، تشکیل کلاس‌های متنوع آموزش خانواده و انتشار ماهنامه «پیوند»، اهداف آموزشی خود را پیش برده است (مقدم، ۱۳۹۳). بر اساس بررسی‌های انجمن اولیا و مربیان، آموزش خانواده تأثیر قابل توجهی در کاهش مشکلات دانش‌آموزان نداشته و حتی این آموزش‌ها برای پدران با عدم استقبال یا مقاومت‌هایی روبرو بوده است. این موضوع می‌تواند به ایجاد تعارض و مشکلات جدیدی در خانواده نیز منجر شود. یکی از چالش‌های اساسی برنامه‌های آموزش والدین، عدم توجه به محتوای مورد نیاز است. عصاره معتقد است «به نظر می‌رسد که یکی از دلایل عدم مشارکت والدین در کلاس‌های آموزش خانواده، محتوای برنامه‌های کلاس‌های آموزش خانواده باشد که مبتنی بر نیازسنجی از والدین نبوده است.» (عصاره، ۱۳۸۴). همچنین قاضی و همکاران^۱ (۲۰۲۴) معتقدند مشارکت والدین در آموزش فرزندان به شدت می‌تواند منجر به بهبود عملکرد تحصیلی گردد.

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که عدم شناخت دقیق و همه‌جانبه نیازهای متنوع آموزشی والدین در هر منطقه و شناسایی اولویت‌های آن، ضرورتی انکارناپذیر است. مظاهری معتقد است: «کم‌توجهی به مطالب مورد نیاز والدین در برگزاری آموزش‌های خانواده و روز آمد نبودن و

1 . Qazi, Rönkä, Perälä-Littunen & Eerola

تکراری بودن برخی مطالبی که مدرسان آموزش خانواده ارائه کرده‌اند نیز به منزله آسیب‌های اساسی این برنامه‌ها عنوان شده‌اند. (مظاهری، ۱۳۹۳).

در ایران، آموزش‌های رسمی را وزارت آموزش و پرورش از طریق انجمن اولیا و مربیان برنامه‌ریزی و سازماندهی می‌کند، در حالی که آموزش اولیا در کشورهای دیگر تا حدودی متفاوت و در بیشتر موارد غیرمتمرکز است (مقدم، ۱۳۹۳). بنابراین و با توجه به آسیب‌های موجود، برنامه آموزش خانواده، برای دستیابی به اهداف و نتایج موردنظر، نیاز به طراحی و برنامه‌ریزی اصولی دارد. به نظر می‌رسد که برنامه آموزش خانواده در برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزشیابی نیاز به بازنگری دارد. پژوهش‌های متعددی نیز نشان داده‌اند که هر قدر والدین از نقش‌ها، وظایف خود بیشتر آگاه‌تر باشند، بهتر می‌توانند با فرزندانشان ارتباط برقرار کنند و با مشکلات کمتری روبه‌رو می‌شوند. پژوهش‌های انجام شده برای نیازسنجی آموزش والدین اغلب به صورت محدود و ناظر به حل مسائل خاص می‌باشد و از جامعیت کافی برای پوشش نیازهای متنوع در مقاطع سنی متفاوت برخوردار نیست. همچنین در زمینه روش‌های آموزش تعاملی که اثرگذاری بیشتری دارد راهکار منسجمی ارائه نشده است. برخی از مدارس اسلامی برای حل مشکلات خانواده‌ها به الگوهای آموزش تعاملی مسئله‌محور رو آورده‌اند. برخی از این مدارس، توانسته‌اند با تشکیل گروه‌هایی از والدین، به صورت تعاملی به حل مسائل فرزندان خود بپردازند که به عنوان مطالعه موردی به آن پرداخته شده است.

یکی از راه کارهای مهم و کارآمدی که برای کمک به تربیت دانش‌آموزان مطرح شده، جلسات آموزش خانواده بوده است (اقدسی و همکاران، ۱۳۹۰). از سوی دیگر علم و دانش و فناوری در جهان امروز لحظه به لحظه در حال تکامل است. به یقین می‌توان گفت، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد در درون جوامع، در هیچ مقطع تاریخی، به سرعتی که امروزه در حال تغییر است، دچار دگرگونی و تغییر نبوده است (مظاهری، ۱۳۹۳)؛ از طرفی دیگر، نوجوان باید علاوه بر پذیرش و سازگاری با این همه تغییر و تحول، هویت منسجمی نیز برای خود کسب کند (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۰). به طور کلی به لحاظ خطرها و آسیب‌های ناشی از دامنه تحولات اجتماعی، برای سایر جوامع به قدری قابل اهمیت و نگران‌کننده بود که در جهت کاهش تأثیر آن سال ۱۹۹۴ میلادی از طرف سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به عنوان «سال جهانی خانواده» اعلام شد (احمدی، ۱۳۹۰).

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که آنچه می‌تواند خانواده را از خطرهای آسیب‌های اجتماعی قرن کنونی نجات دهد، آموزش است.

وجود مشکلات اجرایی در سطح کلان آموزش و پرورش و همچنین در سطوح خرد در مدارس از عوامل مؤثر در برگزاری و کیفیت کلاس‌های آموزش خانواده به شمار می‌رود. بنابراین، با توجه به ضروری بودن برگزاری این قبیل آموزش‌ها لازم است مسائل و مشکلات آن با دقت نظر ویژه‌ای مورد توجه و بررسی قرار گیرد تا با رفع آن‌ها بتوان به یک آموزش اصولی برای خانواده‌ها دست یافت (حسینی حیدری و همکاران، ۱۳۸۵).

علاوه بر مشکلاتی که در زمینه عدم ساختارمندی و فقدان نیازسنجی آموزش‌های ارائه شده وجود دارد، لازم است تا به الگوهای ارائه و مدیریت یاددهی یادگیری آن نیز توجه کافی داشت. چرا که اغلب مدیریت آموزش صحیح، می‌تواند برخی از موانع تغییر رفتار را مرتفع نماید. یکی از راه‌های شناسایی نیازهای والدین، واگذاری اختیارات به مدارس است تا نیازهای والدین و فرزندان شان را به صورت خاص شناسایی کنند و متناسب با نیازها، آموزش‌هایی ارائه دهند (پنجه پور و همکاران، ۱۳۹۰). نیوچرچ^۱ (۲۰۱۷) معتقد است که هرچند یافته‌ها، اهمیت فرزندپروری، یادگیری در خانه و ارتباطات را توجیه می‌کنند، اما آنچه از همه تأثیرگذاری بیشتری بر موفقیت دانش‌آموزان دارد، مشارکت خانه و مدرسه است. توجه به برنامه‌های آموزش خانواده، ایجاد نگرشی مثبت و پویا در والدین نسبت به خط‌مشی‌های آموزشی و تربیتی مدارس و فراهم ساختن انگیزه همیاری و همکاری متقابل با مربیان مدارس ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (افروز، ۱۳۹۳).

والدین نیز برای تربیت در عصر حاضر که پیچیدگی‌های بسیاری پیدا کرده است، باید خود را توانمندتر از گذشته کنند. در حالی که والدین بنا به دلایل متعدد با فنون و اصول و روش‌های تربیتی به صورت علمی آشنا نیستند. نیز ممکن است با توجه به شرایط زندگی خود، امکان کسب آگاهی و به کارگیری شیوه‌های نوین تربیتی را از طریق مطالعه، مشاوره و... نداشته باشند؛ لذا با ضرورت آموزش خانواده در جهت افزایش دانش، اطلاعات و آگاهی والدین امری اجتناب‌ناپذیر است. (شهسواری گوغری، ۱۳۹۸)

1. Newchurch

یکی از راهبردهای اصولی برای مقابله نظام آموزشی با چالش‌های احتمالی جهانی شدن، بازتعریف اهداف، طراحی و تعریف مجدد برنامه‌ها با نگرش سیستمی است. یکی از سازوکارهای ضروری در برنامه‌های سیستمی، برنامه جامع جلب و جذب مشارکت والدین در فرایند تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی و اصلاح فعالیت‌ها و برنامه‌های نظام آموزشی است (حبیبی و همکاران، ۱۴۰۱).

اما در زمینه موضوع پژوهش محققان پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که برخی از مهمترین پژوهش‌ها و نتایج حاصله بدین شرح است که: پاون^۱ (۲۰۲۴) بیان می‌کند درک تاثیر آموزش والدین بر عملکرد تحصیلی کودکان برای مربیان، سیاست‌گذاران و خانواده‌ها به طور یکسان ضروری است. پاون (۲۰۲۴) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که آموزش والدین و مشارکت آنها به طور مثبت ۴۲ درصد بر نتایج تحصیلی دانش آموزان تاثیر می‌گذارد. ژین و یو^۲ (۲۰۲۴) به این نتیجه رسیدند که انتظارات آموزشی والدین به رشد کودک کمک می‌کند و این تاثیر ممکن است به صورت فردی و متوالی توسط اضطراب آموزشی و مشارکت والدین ایجاد شود. شاپیرو، هیل-چاپمن و ولیامز^۳ (۲۰۲۴) معتقدند آموزش والدین جهت‌گیری آینده را در حوزه آموزش دانش آموزان تغییر می‌دهند. داکیر و قدیر^۴ (۲۰۲۴) نیز به طراحی مدلی برای کمک به والدین در مدیریت یادگیری در دبیرستان‌ها پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اگر کمک والدین به مقدار ۷۵ درصد افزایش یابد برآیند یادگیری برای کودکان ۷۳ درصد افزایش خواهد یافت. همچنین ایلما، هدایتی و مارتینینگسیه^۵ (۲۰۲۴) با بررسی چالش‌ها در مدیریت مدرسه محور به این نتیجه دست یافتند که با برنامه‌ریزی برای یادگیری بهتر، آموزش و آگاهی دادن به والدین یکی از راهکارهای عملیاتی است. آنابو^۶ (۲۰۲۴) نیز مشارکت والدین در تربیت دانش آموزان را یکی از اصول مدیریت مدرسه محور قلمداد کرده است. لوری فل^۷ (۲۰۲۳) و جیحان و همکاران^۸ (۲۰۲۳) نیز به این نتیجه رسیدند که اجرای مدیریت مدرسه محور و پر کردن شکاف‌های اجرای (SBM)^۹، نیازمند مشارکت

1 . Paun

2 . Xin & Yu

3 . Shapiro, Hill-Chapman & Williams

4 . Dakir & Qadir

5 . Ilma, Hidayati & Martaningsih

6 . Anabo

7 . Lury Fel

8 . Jihan, Ashadi, Sopwandin, Ramli & Bashori

9 . School-Based Management

والدین و همچنین درگیر کردن آنها از طریق آموزش های مرتبط با تعلیم و تربیت محقق می شود. روسایدا و پوروانتو^۱ (۲۰۲۲) با اجرای مدیریت مدرسه محور برای بهبود کیفیت آموزش در یک مدرسه نشان دادند مدیر مدرسه همیشه پاسخگو و به دنبال راه حل برای هر مشکلی در اجرای مدیریت مدرسه محور از طریق والدین است. آراپی و هامل^۲ (۲۰۲۱) پیشنهاد کردند که والدین و معلمان بر سر ابزارهایی که معلمان برای حمایت از آموزش و مشارکت والدین استفاده می کنند اختلاف نظر دارند و به این نتیجه رسیدند که شیوه های ارتباط مدرسه و خانواده یا تکالیف در میان والدین و معلمان دارای امتیاز متفاوتی است. لیو، سلیمانی و هنینگ^۳ (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود نقش مشارکت والدین در مدرسه را بسیار مهم می دانند، اما مشکلاتی وجود دارد که مانع همکاری والدین با مدرسه می شود. از جمله آنها عدم استقبال از برنامه های مدرسه، بی علاقه گی به همکاری، محدودیت های زمانی والدین شاغل و... این احساس را تقویت می کند که مشارکت آنها در تحصیل فرزندان شان چندان مهم نیست. جان-اریک و کاجسا^۴ (۲۰۱۸) در تحقیق خود نشان داد رابطه مثبتی بین آموزش خانواده و پیشرفت دانش آموزان در سوئد وجود دارد.

نظری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی که به شناسایی شاخص ها و مؤلفه های برنامه درسی خانواده پرداخته اند، در خصوص روش های آموزشی پیشنهادی اذعان دارند که اجرای برنامه درسی با روش های آموزشی در ارتباط است. در این موارد که به عنوان روش آموزشی مطرح شده است تأکید بر جلسات گروهی و استفاده از مطالعات علمی می باشد که تأکید بر استفاده از تحقیقات جدید در این زمینه دارد. حیدری و همکاران (۱۳۹۸) در فراتحلیل خود معتقدند «موفقیت درمانی برنامه آموزش والدین به استفاده ماهرانه، مداوم و با ثبات مادران از اینگونه آموزش ها بستگی دارد. بنابراین مشارکت فعال در مباحث گروهی از ارزش زیادی برخوردار است و هرچه والدین انگیزه و تلاش بیشتری در به کارگیری اصول آموخته شده در جلسات داشته باشند اثرات درمان نیز افزایش خواهند یافت.» ملایی نژاد و همکاران (۱۳۹۶) نیز به نیازهای آموزشی والدین دانش آموزان دوره ابتدایی در حوزه تربیت اجتماعی و همچنین نیازهای آنان در حوزه سلامت جسمانی پرداخته است. در زمینه محتوای آموزشی سمیعی زفرقندی و همکاران (۱۳۹۵) در مورد نیازسنجی اولیاء

1 . Rosyida & Purwanto

2 . Arapi & Hamel

3. Liu, Soleimani & Henning

4. Jan-Eric & Kajsa

دانش آموزان دختر متوسطه به پنج حیطه اشاره کرده است. پیرزاد و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود اذعان دارد که بررسی میزان اثربخشی کلاس‌های آموزش خانواده از دغدغه‌های مهم دست‌اندرکاران برگزاری این کلاس‌هاست. پیشنهاد این است که به غیر از تغییر در محتوای دوره‌های آموزشی خانواده و ضرورت روزآمد کردن آن‌ها، در روش ارائه مطالب از مستقیم به بحث و گفت‌وگوی و به کارگیری وسایل کمک آموزشی و سمعی بصری تغییر ایجاد شود (ضیائی و همکاران، ۱۳۹۹).

لذا به نظر می‌رسد در کنار اصلاح دیدگاه نسبت به موضوعات و نیازهای والدین نیاز به یک چارچوب آموزشی ضرورتی انکارناپذیر است. چارچوبی که ناظر به تحولات روزافزون فضای تربیتی در جامعه بتواند همه عناصر اثرگذار در آموزش را برای ارتقاء سطح کیفی فرزندپروری به خدمت بگیرد و از طرف دیگر یافته‌های حاصل از این مطالعه منجر به ایجاد چارچوبی برای آموزش کارآمد والدین برای ارتقاء کیفیت تربیت نسل آینده این مرز و بوم گردد. بنابراین محقق به دنبال دستیابی به این هدف است که چارچوبی کیفی برای آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور تدوین نماید.

سوالات تحقیق

بر این اساس پژوهش حاضر به صورت کیفی به دنبال پاسخگویی به این سوال است که چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران چیست؟ برای پاسخ به این سوال، سوال‌های فرعی زیر مطرح شده است:

- ۱) عوامل علی، زمینه ساز، مداخله گر، راهبردها و پیامدهای آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران کدامند؟
- ۲) چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران چیست؟

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر داده‌ها، کیفی مبتنی بر رویکرد داده بنیاد نظامند؛ از نظر روش اجرا، اکتشافی مبتنی بر رویکرد استقرایی است. مشارکت کنندگان در پژوهش شامل کلیه متخصصان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها (دارای دکتری تخصصی رشته علوم تربیتی، مشاوره و روانشناسی؛ حداقل ۱۰ سال عضویت در هیات علمی؛ حداقل ۲ پژوهش در حوزه آموزش

خانواده و انجمن اولیاء و مربیان)، مدیران ارشد آموزش و پرورش (حداقل کارشناسی ارشد در رشته‌های علوم تربیتی؛ حداقل ۱۵ سال سابقه کار در آموزش و پرورش؛ داشتن حداقل ۵ سال سابقه مدیریت در سطح میانی و بالاتر؛ سابقه تدریس با موضوع آموزش خانواده (برای کارشناسان خبره) بودند.

نمونه‌گیری از مشارکت کنندگان به شیوه آگاهانه و به روش گلوله برفی انجام شد. بر اساس روش گلوله برفی دو نفر از خبرگان حوزه آموزش والدین انتخاب شدند و پس از مصاحبه، از آنها خواسته شد افراد دیگری که در این حوزه متخصص هستند را معرفی کنند و بدین ترتیب نقرات بعدی شناسایی شد و این موضوع تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. مصاحبه با خبرگان به صورت حضوری و به مدت سی دقیقه و حداکثر یک ساعت انجام شد. پس از انجام هر دو مصاحبه، متن آنها پیاده سازی و به نرم افزار MAXQDA وارد شدند. در مجموع ۲۰ مصاحبه انجام شد که در سه مصاحبه نهایی کد جدیدی بدست نیامد و لذا ۱۷ مصاحبه مبنای تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱. مشخصات جامعه آماری پژوهش

مرتبه علمی	محل خدمت	تعداد
عضو هیأت علمی	دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز	۴
	دانشگاه تهران	۱
	دانشگاه آزاد واحد تنکابن	۱
	دانشگاه آزاد واحد اسلامشهر	۱
	دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه	۱
	دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات	۱
مدیر ارشد آموزش و پرورش	وزارت آموزش و پرورش	۳
پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت	مؤسسات آموزشی و پژوهشی	۵

به منظور جمع آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. از دو روش کثرت گرایی در شیوه (بازآزمون روش انجام کار) و کثرت گرایی مشارکت کننده (استفاده از مصاحبه شوندگان جدید برای آزمون قابلیت اطمینان مدل) برای تعیین روایی ابزار و داده‌ها و از روش کثرت گرایی در پژوهشگر (آزمون قابلیت اطمینان بین کدگذاران) برای تعیین پایایی استفاده شد. بازآزمون روش انجام کار با ۸۰ درصد پایایی، آزمون قابلیت اطمینان بین کدگذاران با ۸۱ درصد و استفاده از مصاحبه شوندگان جدید برای آزمون قابلیت اطمینان مدل با ۸۲/۵۴ درصد پایایی حکایت از قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها داشت. نتایج اعتبارسنجی یافته‌ها به شرح جدول زیر است:

جدول ۲. نتایج بدست آمده در خصوص اعتباریابی یافته به روش کثرت گرایی

روش	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون
مصاحبه شونده	۶۳	۲۶	۱۲	٪ ۸۲/۵۴
روش انجام کار	۲۵۱	۱۰۰	۳۵	٪ ۸۰
بین کدگذاران	۸۳	۳۶	۱۳	٪ ۸۶/۷۵

پس از جمع آوری اطلاعات مورد نیاز، به مدد نظریه داده بنیاد^۱ در قالب کدگذاری مفاهیم و مقوله-ها، چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران بدست آمد است. در بخش کدگذاری از روش استراوس و کوربین استفاده شده که رویکردی نظاممند را پیشنهاد می‌کنند. مهمترین بخش کار در تحلیل داده‌های پژوهش کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) می‌باشد که بدین گونه انجام شد:

- ۱) کدگذاری باز^۲: مصاحبه‌ها پیاده و داده‌ها یکسان‌سازی شدند و مطابق با ادبیات نظری پژوهش اصطلاحات علمی برای آنها انتخاب شد و فهرستی از مفاهیم بدست آمد. سپس مفاهیم بدست آمده مقوله‌بندی شدند.

1 . Grounded Theory

2 . Open coding

۲) کدگذاری محوری^۱: مقوله‌های بدست آمده در قالب شش عامل پارادایمی مدل اشتروس و کوربین بهم دیگر مرتبط شدند. با این کار بین کدهای تولید شده در کدگذاری باز، رابطه برقرار شد.

۳) کدگذاری انتخابی^۲: در این مرحله که مرحله اصلی نظریه پردازی است، مقوله محوری به شکلی نظام مند به دیگر مقوله ربط داده شد، روابط در چارچوب یک روایت و داستان، بطور روشن بیان شد و مقوله‌هایی که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز داشتند، اصلاح شدند. به عبارت دیگر، در مرحله کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه سازی و بهبود و پالایش مقوله‌ها انجام شد به این ترتیب که محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص بین مقوله‌ها، آن‌ها را برای ارائه و شکل دهی یک نظریه تنظیم نمود که این امر از طریق کشف مقوله مرکزی امکان پذیر گردید.

یافته‌ها

با توجه به سوالات مطرح شده در پژوهش حاضر، پژوهشگر به مدد نظریه داده بنیاد نظامند، ابتدا کدگذاری و سپس به پاسخ سوالات را به شرح زیر ارائه نموده است.

۱) **کدگذاری باز**: مصاحبه‌های بدست آمده توسط محقق، دو بار بطور کامل مطالعه شد، بخش-هایی از متن مصاحبه‌ها که کلیدی بودند برجسته شدند، فهرستی اولیه از نکات برجسته موجود در داده‌ها تهیه شد و برای تبدیل داده‌های متنی به داده‌های قابل استفاده و فهمیدنی از «بند»، «عبارت» و «کلمه» استفاده شد. متن مصاحبه‌ها به نرم افزار منتقل شد و کدهای باز مشخص شدند. در گام اول ۲۸۹ کد اولیه بدست آمد که با ادغام کدهای مشابه و همسان سازی عبارات کدهای اولیه به ۱۵۳ کد تغییر یافت. کدهای اولیه از متن مصاحبه به شرح زیر بدست آمده است.

مصاحبه شونده شماره ۳: وقتی به خانواده‌ها فرقی نمی‌کند پدر و مادر آموزش می‌دهیم که به فرزندان شان کمک کنند در مسیر تربیت بهتر پیش بروند و نتیجه آن را هم والدین می‌بینند قطعاً اعتماد به نفس آنها بالا می‌رود و متوجه می‌شوند که آنها هم از طریق شرکت در کلاس‌های آموزشی می‌توانند به بچه‌هایشان کمک کنند و این منجر به افزایش هم اعتماد به نفس و هم عزت نفس آنها می‌شود.

1 . Axial coding
2 . Selective Coding

مصاحبه شونده شماره ۹: والدین قطعاً امروزه دارای سواد تخصص هستند اما توانایی شناسایی نقاط قوت و ضعف فرزندان و شناخت توانایی‌های آنها را ندارند. این موضوع خودش یک علم است که بتوان استعداد و توانایی را شناخت. اما الزاماً نباید در این خصوص متخصص بود. والدین می‌توانند با دریافت آموزش در خانه متوجه شوند فرزندان‌شان روی چه موضوعاتی متمرکز هستند یا به چه چیزهایی گرایش دارند لذا از طریق آموزش، والدین نسبت به توانایی فرزندان‌شان شناخت و آگاهی پیدا می‌کنند.

مصاحبه شونده شماره ۱: پدر و مادر از هر کسی بهتر می‌تواند بفهمد فرزندش رفتاری ناشایست و نامناسب مرتکب شده است ولی دلیل آن را نمی‌داند حداقل به صورت علمی نمی‌داند که بتواند برای آن اقدامی انجام دهد ولی با ارائه یکسری آموزش یا دادن بروشورهایی می‌توان به والدین کمک کرد که علت رفتار نامناسب فرزندان را بفهمند و برای کمک به رفع آن اقدام کنند.

مصاحبه شونده شماره ۴: از آنجا که والدین آموزش یکسانی دریافت نمی‌کنند و تحت تاثیر والدین خود یا دانشگاه و گروه اطراف خود اصول تربیت فرزند را می‌آموزند قطعاً بین زن و مرد هماهنگی در امور تربیتی وجود ندارد. پدر معتقد است که بچه باید خودش این کار را انجام دهد ولی مادر می‌گوید باید کمکش کنیم یا برعکس و لذا در تربیت بچه‌ها از یک روش و اصول یکسان استفاده نمی‌شود.

مصاحبه شونده شماره ۸: پدر و مادر الگوی بچه‌ها هستند و کارهایی که انجام می‌دهند توسط بچه‌ها یاد گرفته می‌شود و تکرار می‌شود. پدرانی که فرزندان خود را به مساجد یا تکیه‌های دینی می‌برند این رفتار در بچه‌ها درونی می‌شود. پدر نماز می‌خواند بچه هم تکرار می‌کند، در خصوص سوالات شرعی و دینی به درستی به بچه‌ها پاسخ می‌دهند و یاد می‌دهند که در خصوص مسائل دینی فکر کنند که درست است یا غلط. در انجام کارها صبر و حوصله به خرج می‌دهند و بچه هم این را یاد می‌گیرد و در هیچ کاری عجله نمی‌کند. این موارد به رشد معنوی و دینی بچه‌ها کمک می‌کند.

مصاحبه شونده شماره ۲: یکی از موضوعاتی که فرزندان از والدین یاد می‌گیرند به موقع حرف زدن و خوب گوش دادن است. با توجه به این که همه والدین در این خصوص دارای توانمندی یکسانی نیستند لذا می‌توان به آنها یاد داد که به حرف بچه‌هایشان ابتدا به خوبی گوشش کنند و بعد از فهم موضوع به بچه پاسخ دهند. این مهارت در فرزندان به این شکل تقویت می‌شود.

مصاحبه شونده شماره ۹: همچنین والدین می‌توانند بفهمند بچه‌هایشان چه نیازهایی دارند و احساسات و عواطف آنها چگونه است. یعنی می‌فهمند نسبت به چه مسائلی واکنش احساسی و عاطفی از خود بروز می‌دهند. و در مقابل والدین از طریق آموزش به این آگاهی می‌رسند که چه واکنشی در قبال احساسات فرزندان از خود نشان دهند.

مصاحبه شونده شماره ۱: از طرف دیگر والدین به دنبال آن هستند که فرزندان بهترین باشند ولی نمی‌دانند با این نسل چطور رفتار کنند که فرزندی صالح و نیک داشته باشند. آموزش می‌تواند به پدر و مادرها حداقل کمک کند در راه تربیت فرزندان تلاش بیشتری بکنند و به تربیت صالح آنها ایمان داشته باشند.

مصاحبه شونده شماره ۲: یکی از موارد دیگر که والدین باید به آن مجهز شوند و مدرسه باید به آنها آموزش دهد مدیریت تعارضات در روش‌های تربیتی‌شان است. بعضاً دیده می‌شود که والدین انجام یک کار یکسان در فرزندان، کار یک نفر را تشویق و دیگری را تنبیه می‌کنند یا در مقابل آن جبهه می‌گیرند و فرزندان نمی‌دانند این کار خوب بوده یا بد. یا اینکه خودشان یک کاری را انجام می‌دهند و اگر فرزند همان کار را انجام داد به وی تذکر می‌دهند که تکرار نشود.

کدگذاری محوری: به این گونه کلیه مصاحبه‌ها پیاده سازی، عبارات کلیدی آنها مشخص شدند و فهرست کدهای اولیه تشکیل شدند. در گام دوم کدهای باز بدست آمده در نرم افزار MAXQDA دسته بندی و ذیل کدهای محوری قرار گرفتند که نتیجه کدگذاری محوری شامل ۱۵۳ کد باز و ۲۱ کد محوری در جداول ۳ تا ۸ ارائه شده است.

کدگذاری انتخابی: در نهایت کدگذاری انتخابی انجام شد و کدگذاری انجام شده طی انجام دو مرحله دلفی و اخذ نظر خبرگان انجام شد. در مرحله اول خبرگان در خصوص محتوای هر کد اعلام نظر کردند و در مرحله دوم از آنها خواسته شد نظرات شان را نسبت به هر یک کدهای بدست آمده اعلام کنند. سپس بر اساس نظرات خبرگان، مقدار ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) محاسبه شد که نتایج بدست آمده در قالب پاسخ به سوال سوم و جدول ۹ ارائه شده است.

عوامل علی، زمینه ساز، مداخله گر، راهبردها و پیامدهای آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران کدامند؟

- عوامل علی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه

نتایج بدست آمده در خصوص عوامل حکایت از آن دارد که آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور نیازمند توجه به عوامل حادث شدن آموزش والدین است. در این پژوهش ۳ کد محوری و ۲۴ کد باز شامل: خودآگاهی والدین (۷ کد باز)، اهداف زندگی (۷ کد باز) و سبک زندگی (۱۰ کد باز) به عنوان عوامل علی چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه شناسایی شده است. به این معنی که اگر قصد داریم آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران بهبود پیدا کند باید والدین به آگاهی لازم در خصوص ابعاد رشدی فرزند برسند و بدانند برای چه هدفی پا به زندگی گذاشته اند و با چه سبکی باید زندگی را پیش برد.

جدول ۳. کدهای باز و محوری مرتبط با شرایط علی

کدهای محوری	کدهای باز
خودآگاهی والدین	- احساس کفایت مندی - اعتماد به نفس و عزت نفس - خودنظارتی در زمینه والدگری - آگاهی نسبت به افکار خود - پذیرش خود - اولویت خودمراقبتی بر تربیت فرزند - شفقت و مهربانی نسبت به خود
اهداف زندگی	- خدا محوری و عبودیت - آخرت محوری - خردمحوری در مقابل - نفس محوری - ولایت مداری - اخلاق مداری - مسئولیت پذیری اجتماعی - اعتقاد و اهتمام به تربیت فرزند صالح
سبک زندگی	- سخت گیری خودخواسته والدین - عادت دادن به صبوری فرزندان - خودکفایی در معاش زندگی - پرهیز از تبذیر و اسراف - تعهد به سنت های دینی و مستحبات و شعائر - ساده زیستی - قناعت و مدیریت مصرف - عقلانیت در سبک زندگی - مدیریت لذات و اوقات فراغت - تعهد و مرزبانی نسبت به حلال و حرام الهی

عوامل زمینه ساز آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور

معمولاً تحقق هر عملی نیازمند بستر مناسب برای به فعلیت در آمدن است. در این پژوهش شرایط زمینه ساز تحقق آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور شناسایی شده است که شامل ۳ کد محوری و ۲۴ باز می باشد: تحولات رشدی فرزندان (۶ کد باز)، تعامل والدین با یکدیگر (۸ کد باز) و فضاسازی مناسب (۱۰ کد باز).

جدول ۴. کدهای باز و محوری مرتبط با شرایط زمینه ای

کدهای محوری	کدهای باز
تحولات رشدی فرزندان	- آگاهی نسبت به توانمندی های فرزند - آگاهی نسبت به سختی های مرادده با فرزند - درک نیازها و احساسات فرزندان و واکنش متناسب با آن - شناسایی علل بروز رفتارهای نامناسب فرزند - شناخت مراحل رشد کودک و نوجوان - شناخت تمایزات و ویژگی های جنسیتی دختر و پسر
تعامل والدین با یکدیگر	- مهارت های ارتباط زوجین - برقراری رابطه آگاهانه با همسر - کیفیت بخشی به زمان های با هم بودن - هماهنگی بیشتر روابط زوجین - مدیریت تعارض و تضاد بین والدین - مدیریت تعارضات در روش تربیتی والدین - توجه به هرم قدرت در نظام خانواده - توجه به نقش های پدری و مادری
فضاسازی مناسب	- محیط یادگیری مثبت - محیط مناسب رشد - محیط امن و جذاب - محیط سازگار و حمایتی - توسعه نمادهای شعاعی در فضای خانواده - محیط متنوع و چالش برانگیز - محیط آرام در خانه - نظم و نظافت در ابعاد مختلف خانه و زندگی - فرصت کاوش و آزمایش و بازی

عوامل مداخله گر آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور

پیش آمد هر اتفاقی عواملی هستند که می توانند مانع باشند یا عاملی تسهیلگر برای تحقق بیشتر پدیده اصلی باشند. این عوامل نقشی دوگانه دارند که بسته به نوع برخورد ما با آنها نقش خود را ایفا می کنند. در این پژوهش ۳ عامل مداخله گر با ۱۹ کد باز شامل: جهان جدید (۶ کد باز)، فرهنگ زیست بوم (۷ کد باز) و رسانه های نوین (۶ کد باز) شناسایی شد.

جدول ۵. کدهای باز و محوری مرتبط با شرایط مداخله گر

کدهای محوری	کدهای باز
جهان جدید	- شناخت مسائل جهان جدید - شناخت ابعاد مدرنیسم و تأثیر آن بر زندگی - شناخت دانش های مورد نیاز در جهان جدید - شناخت ویژگی های نسل جدید - شناخت نگرش های ضروری برای موفقیت در جهان جدید - شناخت مهارت های فردی مورد نیاز برای زیست در جهان جدید
فرهنگ زیست بوم	- شناخت حقوق فردی مطابق با بوم - شناخت فرصت ها و تهدیدهای زیست بوم در راستای تربیت فرزندان - شناخت تحولات فرهنگی پیش روی فرزندان در زیست بوم - شناخت هویت ملی - شناخت هویت قومی و خاندانی - شناخت فرهنگ محل زندگی - شناخت قوانین و مسائل حقوقی
رسانه های نوین	- تأثیرات رسانه در رشد جسمی فرزند - اثر رسانه بر ارزش ها و محیط رشد - تأثیر رسانه بر یادگیری فرزندان - شناخت تأثیر هوش مصنوعی - آشنایی با اثرات فضای مجازی - رسانه و مدیریت زمان و برنامه ریزی

مقاله محوری آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور

نتایج بدست آمده در خصوص پدیده محوری چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه حکایت از آن دارد که خود واژه و مفهوم آموزش والدین به عنوان کلیدی ترین عامل در مرکز مدل قرار گرفته است. این عامل کلیدی از ۴ کد محوری و ۲۶ کد باز شامل توانمندی های شخصی والد (۷ کد باز)، صلاحیت های نگرشی و شناختی والدین (۶ کد باز)، صلاحیت های رفتاری و مهارتی والدین (۷ کد باز) و صلاحیت های عاطفی و احساسی والدین (۶ کد باز) تشکیل شده است.

جدول ۶. کدهای باز و محوری مرتبط با شرایط مداخله گر

کدهای محوری	کدهای باز
توانمندی های شخصی والد	- حل مسأله - مهارت های ارتباطی - توانایی حل تعارض والد فرزند - مهارت پاسخ آگاهانه و دقیق - تصمیم گیری منطقی - خود کفایی و خود کارآمدی - مدیریت احساسات بیش از رفتار - در کنترل رفتار
صلاحیت های نگرشی و شناختی والدین	- قانون گذاری صحیح - تعیین محدودیت ها و - دستورالعمل واضح - مهارت تربیت معقولانه - ذهن آگاهی در فرزند پروری - انتخاب سبک فرزند پروری - صحیح در هر موقعیت - انتظارات روشن و واقع بینانه از فرزند
صلاحیت های رفتاری و مهارتی والدین	- یادگیری موقعیت محور - قاعده مندی و پیش بینی پذیری - رفتاری - تکنیک های انضباطی مؤثر - تشویق و تنبیه متناسب با موقعیت - گوش دادن فعال - مهارت گفت و شنود با فرزند - کاهش تعارض والد فرزند
صلاحیت های عاطفی و احساسی والدین	- مدیریت هیجانات عاطفی - انگیزه مندی درونی - انعطاف پذیری در مواجهه با - رفتارهای نامناسب - پذیرش نامشروط و بدون قضاوت فرزند - شفقت و مهربانی نسبت به فرزند - افزایش رابطه کیفی و تعامل مثبت با فرزند

راهنمای آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور

نتایج بدست آمده در خصوص مقوله راهنماها بیانگر آن است که برای آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور باید در قالب برنامه ریزی مدون چهار راهبرد را پیگیری نمود. در این پژوهش ۴ راهبرد و ۳۲ کد باز شامل: تعامل والدین با مدرسه (۸ کد باز)، نظارت و پایش (۷ کد باز)، مدیریت معاشرت‌ها (۱۰ کد باز) و صیانت و سلامت (۷ کد باز) شناسایی شده است که در صورت اجرایی شدن آنها می‌توانند کمک شایان توجهی به آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران بکنند.

جدول ۷. کدهای باز و محوری مرتبط با راهنماها

کدهای محوری	کدهای باز
تعامل والدین با مدرسه	- مداخله و مشارکت همزمان دانش‌آموزان، والدین و معلم - مناسبات مبتنی بر اعتماد به مدرسه - همکاری و هماهنگی بین خانواده و مدرسه - برنامه‌های آموزشی با حضور دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها در مدرسه - تماس والدین با مدرسه - ارتقاء تأثیرگذاری معلمان بر فرزندان از طریق تعامل با مدرسه - تنظیم انتظارات والدین با نظرات کارشناسان مدرسه - توسعه توانایی‌های فرزندان بر اساس امکانات مدرسه
نظارت و پایش	- نظارت و رصد کردن - دقت در تغییرات رفتاری فرزند - تحولات در گفت‌وگو فرزند - توجه به محیط‌های حضور و تأثیر گذار بر فرزند - توجه به آموزش‌های رسمی و غیررسمی - آشنایی با ابزارهای پایش در فضای رسانه و... - بهره‌گیری از مشاوران آگاه و صالح در پایش

کدهای محوری	کدهای باز
مدیریت معاشرت‌ها	- شبکه‌های اجتماعی در میان والدین - استفاده از سرمایه دانش و خرد جمعی همه والدین - تقویت ارتباط با گروه‌های سالم همسالان - تعامل والدین با والدین دیگر - تبیین دلایل ارتباط و تعامل با سایرین - ارتباط نظام‌مند بین خانواده‌ها - ایجاد تعلق خاطر به شخصیت‌های الگو - توسعه شبکه خانوادگی - دورهمی خانوادگی - مهارت همزیستی در فرهنگ متکثر
صیانت و سلامت	- دور نگه داشتن از فضای آلوده و مسموم - جایگزین‌سازی هوشمندانه (بازی، اوقات فراغت، خوراک و...) - کنترل و نظارت معاشرت‌های گروه همسالان در مدرسه و...) - کنترل و نظارت بر ایاب و ذهاب‌های فرزندان - رسیدگی به سلامت جسمی و بدنی - کنترل و نظارت بر محیط‌های آموزشی و مهارتی غیرمدرسه‌ای - کنترل و نظارت بر معاشرت با الگوهای ناصالح

پیامدهای آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور

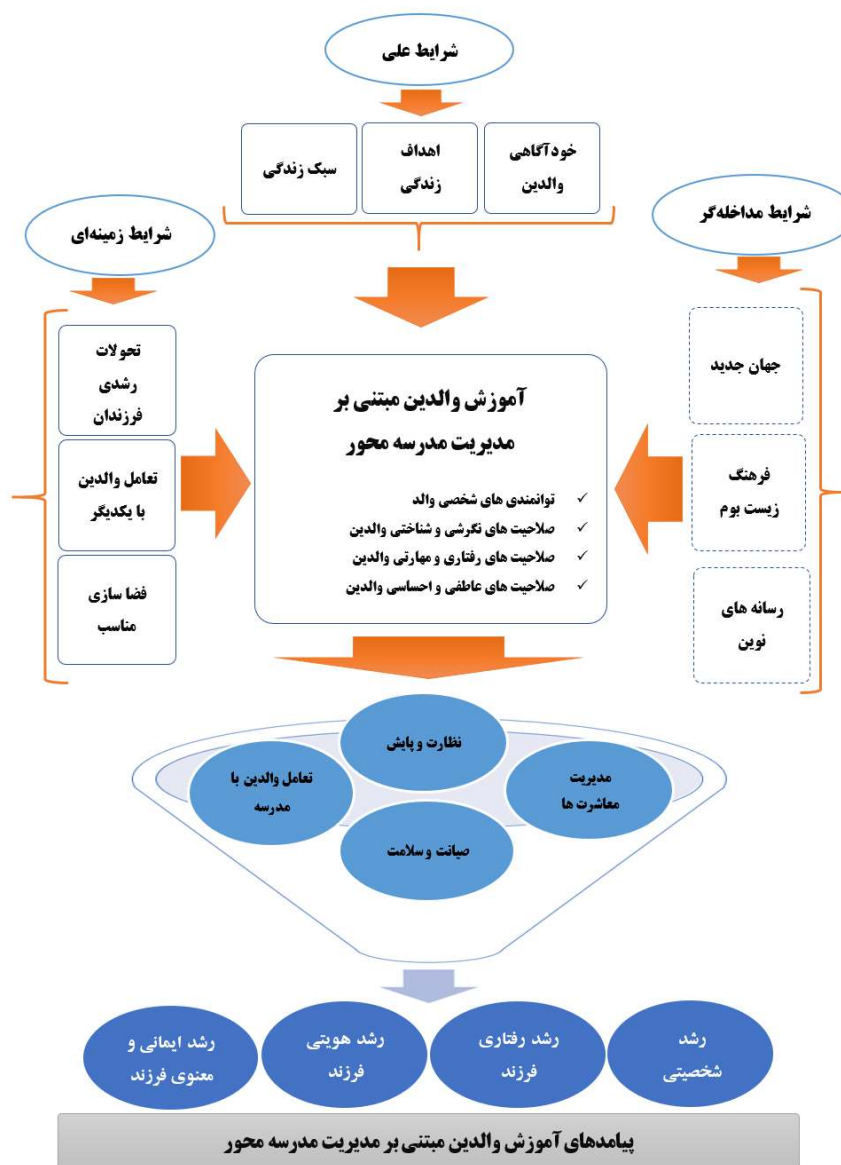
نتایج بدست آمده از تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که اجرای آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران، منجر به نتایج مثبت و مطلوبی می‌گردد که عبارتند از: رشد شخصیتی فرزند (۸ کد باز)، رشد رفتاری فرزند (۷ کد باز)، رشد هویتی فرزند (۶ کد باز) و رشد ایمانی و معنوی فرزند (۷ کد باز). نتایج پژوهش حاضر این نکته را نشان می‌دهد که آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران می‌تواند پیامدهای مثبت و اثرگذاری در رشد همه جانبه دانش آموزان در پی داشته باشد.

جدول ۸. کدهای باز و محوری مرتبط با پیامدها

کدهای محوری	کدهای باز
رشد شخصیتی فرزند	- هدایت فرزند به شناخت احساسات خود - تقویت انگیزه‌های درونی - ایجاد انگیزه‌های بیرونی - ارتقای ظرفیت‌ها و مهارت‌های عاطفی - ارتقای ظرفیت‌ها و مهارت‌های شناختی - تقویت اعتماد و عزت نفس - پرورش مسئولیت‌پذیری - مواجهه با پیامد انتخاب‌های خود
رشد رفتاری فرزند	- هدایت فرزند به بروز رفتارهای متفکرانه - کنترل رفتارهای نامناسب فرزند - تقویت رفتارهای مطلوب فرزند - ارتقای ظرفیت‌ها و مهارت‌های اجتماعی - ارتقای مهارت مدیریت روابط با همسالان - ایجاد مهارت خودتنظیمی - قاطعیت و انضباط مثبت
رشد هویتی فرزند	- ایجاد تعلق نسبت به خانواده - تقویت حس تعلق به دین مذهب - دلبستگی به ملیت و کشور - احساس رضایتمندی از جنسیت - ایجاد و تقویت هویت اجتماعی - درک و پذیرش هنجارهای فرهنگی
رشد ایمانی و معنوی فرزند	- وجود گفتمان معنوی در خانه با محوریت رضای خدا و اولیای او - پرورش حیا در رفتار و گفتار - تجربه شیرین حضور در فضاهای معنوی - ایجاد انس با نمادها و رفتارهای دینی (قرآن، صدقه، نماز و...) - اقناع با پاسخ‌های منطقی به پرسش‌های دینی و اعتقادی فرزند - عادت به تفکر و تعقل در رفتارهای دینی - احیای باورهای اخلاقی و دینی

چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران چیست؟

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران با ۱۵۳ مفهوم (کد باز) و ۲۱ کد محوری (مقوله اصلی) به صورت شماتیک به شرح شکل ۱ می‌باشد. چارچوب بدست آمده بر اساس یک کار کیفی از طریق رویکرد داده‌بنیاد نظام‌مند و مبتنی بر روش اشتروس و کوربین و مصاحبه با خبرگان بدست آمده است. این چارچوب بیانگر آن است که برای آموزش والدین در مدارس متوسطه تهران؛ بایستی یک دید کلان به موضوع داشت و عوامل دست آمده و چارچوب ترسیم شده را به صورت یکجا و کلی مدنظر داشت. نمی‌توان انتظار داشت آموزش والدین به خوبی محقق شود و در راستای کمک به تربیت دانش‌آموزان باشد ولی همه عوامل بدست آمده برای چارچوب آموزشی را مورد بررسی، برنامه‌ریزی و اقدام عملیاتی مناسب قرار نداد. برخی عوامل تشکیل‌دهنده چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران، عوامل زمینه‌ساز حادث شدن پدیده اصلی (آموزش والدین) هستند، برخی دیگر علل بوجود آورنده آن هستند و در این بین عواملی نیز مخل هستند، برای تحقق این موضوع باید راهبردهای اساسی شناسایی و پیاده‌سازی شوند تا در نهایت از توجه و انجام این امور، پیامدها و نتایج مثبت آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور بدست آیند. چارچوب بدست آمده از نظر استراتژی، تجربی است زیرا چارچوبی که بر اساس نظر خبرگان و تحلیل‌های پژوهشگر ارائه شده است نمود فردی و اجتماعی دارد. از نظر فلسفی از نوع پراگماتیسم یا عملگرا می‌باشد چرا که کاربردی و عملکردی است. از طرفی از منظر منطق پژوهش از نوع استقرایی و از نظر الگویی از نوع هنجاری می‌باشد. نهایت اینکه برای تحقق چنین چارچوبی و اجرایی و عملیاتی کردن آن، نیازمند توجه به تمام ابعاد و کدهای تشکیل‌دهنده می‌باشد و باید موانع اساسی در پیاده‌سازی و اجرای آن تاحد ممکن رفع شوند.



شکل ۱. چارچوب کیفی آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور مدارس متوسط دوم شهر

تهران

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش بدنبال ارائه چارچوبی کیفی برای آموزش والدین مبتنی بر مدیریت مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر تهران بودیم و در راستای دستیابی به این چارچوب، مفاهیم، مقوله‌های فرعی و اصلی برای چارچوب استخراج شد که برخی از آنها زمینه‌ساز، علل بوجود آورنده، مداخله-گر، راهبرد و پیامد بودند. نتایج نشان داد که «خودآگاهی والدین»، «اهداف زندگی»، «سبک زندگی»، «توانمندی‌های شخصی والد»، «صلاحیت‌های نگرشی و شناختی والدین»، «صلاحیت‌های رفتاری و مهارتی والدین»، «صلاحیت‌های عاطفی و احساسی والدین»، «تحولات رشدی فرزندان»، «تعامل والدین با یکدیگر»، «فضاسازی مناسب»، «جهان جدید»، «فرهنگ زیست بوم»، «رسانه‌های نوین»، «تعامل والدین با مدرسه»، «نظارت و پایش»، «مدیریت معاشرت‌ها»، «صیانت و سلامت»، «رشد شخصیتی فرزندان»، «رشد رفتاری فرزندان»، «رشد هویتی فرزندان» و «رشد ایمانی و معنوی فرزندان» عوامل تشکیل دهنده چارچوبی کیفی آموزش والدین بر اساس مدیریت مدرسه محور هستند.

تعلیم و تربیت مسئله‌ای اساسی برای هر کشوری است. تعلیم و تربیت افراد در جوامع محصول و نتیجه تعامل نظام آموزشی (به طور خاص مدرسه) و خانواده است. برای دستیابی به اهداف مورد نظر در نظام تعلیم و تربیت، مشارکت و همراهی والدین و مدرسه الزامی است. می‌توان گفت نقش خانواده در تعلیم و تربیت فرزندان بی‌نظیر و برجسته است و جایگزینی برای آن نمی‌توان یافت. لذا رسالت این جایگاه بدون آگاهی و بینش بالای متولیان آن به انجام نخواهد رسید. بنابراین والدین برای انجام دادن مسئولیت خطیر تربیت فرزندان خود نیاز به آماده‌سازی و آموزش دارند. برای این مهم واحدی به نام انجمن اولیاء و مربیان تشکیل شده است. از طریق این واحد نظام آموزشی به والدین برای کمک به تربیت فرزندان، آموزش‌های متنوعی را ارائه می‌دهد لیکن در سنوات گذشته این موضوع چندان اثربخش نبوده است. بر اساس نظرات صاحب نظران در کنار آموزش‌های ارائه شده توسط انجمن، از طریق مدیریت مدرسه محور نیز می‌توان اثربخشی آموزش‌های خانواده را ارتقاء داد که مستلزم رعایت شرایط و استلزامات خاص خود است. مدیریت مدرسه محور بر اساس اختیارات تفویض شده به آنها، اقدام به شناسایی نیازهای دانش‌آموزان و والدین آنها می‌کند و به این شکل به جای یکسری آموزش‌های کلی برای کلیه مناطق و شهرهای کشور، آموزش‌های ویژه برای والدین دانش‌آموزان هر مدرسه طراحی و ارائه می‌شود.

مدیران مدارس به طور معمول و روزانه با والدین دانش آموزان در خصوص مشکلات و اختلالات یادگیری و همچنین روش های تربیتی در تعامل هستند و می دانند والدین دانش آموزان نیاز به چه اطلاعات و دانشی برای برخورد مناسب با فرزندان شان هستند. بنابراین اگر مدیریت مدرسه محور در مدارس شهر تهران اجرا شود مدیران می توانند به خوبی نیازهای والدین دانش آموزان مدرسه شان را شناسایی و برای آن اقدام کنند به گونه ای که آموزش های اختصاصی با محتوای خاص برای والدین پیش بینی می شود و در کلاس های آموزشی والدین روی کیس های واقعی والدین کار می کنند و به این گونه والدین کمک بزرگی در تعلیم و تربیت دانش آموزان خواهند نمود. بعضاً دیده شده است که آموزش هایی که به صورت کلی برای والدین توسط نظام آموزشی طراحی می گردد آگاهی هایی به والدین می دهند ولی والدین نمی دانند چگونه آن را نسبت به فرزندشان بکار گیرند تا مشکل رفتاری و عملکردی فرزندشان رفع شود. اما زمانی که روی موضوعات واقعی بحث و آموزش ارائه شود، والدین به خوبی متوجه می شوند که چه برخوردی با آنها منجر به رفع مشکل یادگیری و رفتارهای عادی وی می گردد.

چارچوب بدست آمده در پژوهش حاضر چارچوبی نسبتاً کارآمد است و به توجه به اینکه مشابه قبلی ندارد می تواند تا حد زیادی راهگشا باشد. ضمن اینکه باید نیم نگاهی هم به اصلاح و به روز رسانی آن وجود داشته باشد. اما از حیث مقایسه با نتایج سایر پژوهش های صورت گرفته، علیرغم اینکه تاکنون پژوهشی به این موضوع نپرداخته است و موضوعات جزئی دیگری را مورد واکاوی قرار داده اند.

نتایج پژوهش حاضر تا حدودی با نتایج پژوهش های کاظمیان و همکاران (۱۳۹۲)، غریبی و همکاران (۱۳۹۵)، فضلی و همکاران (۱۳۹۵)، بهبهانی و همکاران (۱۳۹۶)، نیلی احمدآبادی و همکاران (۱۳۹۸)، جدیدی و همکاران (۱۳۹۸)، نورمحمدی و صحبت یاری (۱۴۰۰)، حبیبی و همکاران (۱۴۰۱)، قاضی و همکاران (۲۰۲۴)، پاون (۲۰۲۴)، ژین و یو (۲۰۲۴)، شاپیرو و همکاران (۲۰۲۴)، داکیر و قدیر (۲۰۲۴)، ایلما و همکاران (۲۰۲۴)، آناپو (۲۰۲۴)، لوری فل (۲۰۲۳) و جیحان و همکاران (۲۰۲۳)، روسایدا و پوروانتو (۲۰۲۲)، بورگدورف، زوبو و آبوت (۲۰۱۹)، بالتر و همکاران (۲۰۱۷)، موراسکا و همکاران (۲۰۱۴)، جیم مکاریتی و همکاران (۲۰۱۱) همخوانی دارد.

در راستای یافته‌های این پژوهش، نتایج پژوهش کاظمیان و همکاران (۱۳۹۲) منجر به شناسایی سه مقوله اصلی «ارتباط با خود»، «ارتباط با دیگران» و «ارتباط با خدا»؛ غریبی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد آموزش مهارت‌های فرزندپروری باعث تقویت پیوند والدینی، کم شدن استرس ادراک شده والدین و بالا رفتن کیفیت زندگی مادران گردیده؛ جدیدی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند به کارگیری روش‌های موثر آموزشی خصوصاً آموزش مهارت فرزندپروری مثبت تأثیر معناداری در ارتقاء دانش و مهارت مادران دارد؛ نورمحمدی و صحبت‌یاری (۱۴۰۰) از طریق بررسی و تحلیل منابع مختلف، سعی در کشف و گزینش مقوله‌های محتوایی و ویژگی‌های عناصر یک الگوی مناسب برنامه درسی برای آموزش پیشگیری از آسیب‌های جنسی ویژه والدین داشته‌اند. الگوی طراحی شده در این پژوهش ۹ متغیر: اهداف، ابعاد محتوایی، ابعاد زمانی، ابعاد مکانی، مواد و منابع، شیوه گروه‌بندی، نقش یاددهنده و ارزشیابی را بیان کرد؛ حبیبی و همکاران (۱۴۰۱) الگوی بدست آمده می‌تواند به عنوان یکی از راه کارهای اجرایی برای دستیابی به یکی از اهداف کلان در سند تحول بنیادین آموزش پرورش یعنی «افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت» استفاده شود و ۵ مقوله اصلی بازخورد و ارزشیابی، تحلیل، تصمیم‌گیری، تعامل آموزش و خانواده، ابعاد مشارکت خانواده مد نظر قرار گرفته است؛ موراوسکا و همکاران (۲۰۱۴) به این نتایج دست یافتند که فرزندپروری مثبت شواهدی کارآمد هم به عنوان روش درمانی برای جمعیت‌های بالینی و هم سطوح مداخله پیشگیری دارد و سبب کاهش چشمگیری در مشکلات رفتاری کودکان به طور پایدار می‌شود؛ هدیه تیتیز و آسیه تکل (۲۰۱۵) پیشنهاد کردند که والدین باید با معلمان و دانش‌آموزان در فرایند تعلیم و تربیت فعالانه مشارکت کنند و در برنامه‌ریزی مدرسه نیز مشارکت فعال داشته باشند که این امر باعث ارتقاء موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردد؛ جیم مکاریتی و همکاران (۲۰۱۱) بیان کردند که ارتباط موثر والدین و مدرسه همچنین تأثیرات مثبت بر خود والدین و معلمان دارد. با کار تیمی اعضای تیم موفقیت بیشتری خواهند داشت که به نوبه خود برای دانش‌آموزان سودمند خواهد بود. مشارکت والدین در امور مدرسه دستاوردهای قابل اندازه‌گیری را در موفقیت دانش‌آموزان ایجاد می‌کند؛ کاتسورث و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که چگونه تغییرات در فرزندپروری ذهن آگاهانه می‌تواند باعث کاهش مشکلات رفتاری در جوانان (مانند استفاده از مواد و پرخاشگری) شود.

از طرف دیگر می‌توان گفت اشتیاق وافر اولیاء برای کمک به فرایند تربیتی فرزندان‌شان، ضرورت تشریح شیوه صحیح آموزش والدین و راهکارهای درگیری و نقش آفرینی والدین در امور تحصیلی فرزندان را دوجندان می‌کند. همچنین، کسب اطلاعات بیشتر در مورد نحوه‌ای که والدین می‌توانند بر موفقیت تحصیلی فرزندان، اصلاح رفتارها، رفع اختلالات یادگیری و ... اثرگذار باشند، می‌تواند انگیزش خود اولیا را برای مشارکت در زمینه تربیت فرزندان افزایش دهد؛ چرا که بسیاری از والدین در اثر بی‌اطلاعی از روش‌های حمایت از فرزندان، حالتی انفعالی به خود می‌گیرند. در حالی که والدین بازوی توانمند مدرسه، معلم و مشاور برای نیل به اهداف آموزشی و تربیتی به حساب می‌آیند. لذا لازم است که در جهت اعتلای سطح دانش و رشد همه جانبه آنها این ظرفیت موجود، حداکثر تلاش را به کار بست.

با مرور پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه تحصیلی به این مهم پی می‌بریم که خانواده نقشی بی‌بدیل در تعلیم و تربیت و پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد. اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌ها از خانواده به‌عنوان عاملی بسیار مهم در وضعیت تحصیلی فرزندان یاد کرده‌اند. از طرف دیگر، نهاد آموزش و پرورش برای تحکیم آموخته‌ها و تربیت دانش‌آموزان با انگیزه، به همکاری و مشارکت خانواده نیاز دارد. والدین با به کارگیری راهکارهایی که در اثر آموزش‌های ارائه شده توسط نظام آموزشی و مدرسه به آنها داده می‌شود، می‌توانند نقش مؤثری در افزایش انگیزه فرزندان خود به تحصیل، رفع مشکلات رفتاری و عملکردی و پیشرفت تحصیلی آنها ایفا کنند.

منابع

احمدی، مهدی. (۱۳۹۰). **تحلیل محتوای کتاب‌های آموزش خانواده برای نوجوانان انجمن اولیا و مربیان بر اساس شاخص‌های مهارت‌های زندگی**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.

افروز، غلامعلی. (۱۳۹۳). **چکیده‌ای از روانشناسی تربیتی کاربردی**. تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان. اقدسی، علی نقی؛ فرید، ابوالفضل؛ بایرام زاده، حمیرا. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی آموزش خانواده در آموزش و پرورش شهرستان ماکو از دیدگاه اولیاء دانش‌آموزان در سال ۱۳۹۰. **زن و مطالعات خانواده**، ۱۴، ۴۳-۶۴.

بختیاری، ابوالفضل؛ مصدقی‌نیک، کبری. (۱۳۹۳). **آموزش خانواده: راهبردهای علمی و عملی با رویکرد پژوهشی**. تهران: آوای نور.

- بهبهانی، مهدیه و زرگر، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی آموزش فرزندپروری ذهن‌آگاهی بر نشانه‌های بالینی و خودکارآمدی کودکان بیش‌فعال و کم‌توجه. **دانشکده پزشکی اصفهان**، ۳۵ (۴۲۹)، ۵۱۷-۵۱۱.
- پنجه‌پور، مجتبی؛ عطایی، نگار. (۱۳۹۰). مقایسه روش آموزشی مسئله‌محور با روش استادمحور در تدریس بیوشیمی متابولیسم. **آموزش در علوم پزشکی**، ۱۱ (۹)، ۱۳۱۸-۱۳۲۵.
- پیرزاد، علی اکبر؛ بختیاری، ابوالفضل. (۱۳۹۰). مطالعه کارآمدی کلاسهای آموزش خانواده از دیدگاه والدین. **خانواده و پژوهش**، ۱ و ۲، ۱۲۱-۱۵۶.
- جدیدی، س؛ دانش، ع؛ غلامی توران پستی، م. (۱۳۹۸). آموزش گروهی فرزندپروری مثبت جهت تقویت خوداثربخشی مادران. **تعالی بالینی، آموزشی-پژوهشی**، ۸ (۴)، ۲۸-۱۸.
- حبیبی، سمیرا؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ نیلی احمدآبادی، محمدرضا؛ زارعی زوارکی، اسماعیل. (۱۴۰۱). طراحی و تدوین الگوی پیشنهادی مشارکت والدین و بررسی تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. **راهبردهای آموزش در علوم پزشکی**، ۱۵ (۲)، ۱۳۱-۱۴۰.
- حسینی حیدری، میراسدالله؛ باقری، نسرین؛ تابع جماعت، محمدرضا. (۱۳۸۵). نگرش والدین درباره کلاس‌های آموزش خانواده. **نوآوری‌های مدیریت آموزشی**، ۴ (۱۸)، ۷۴-۵۵.
- حیدری، رویا؛ عیسی‌نژاد، امید؛ یوسفی، ناصر. (۱۳۹۸). فراتحلیلی بر پژوهش‌های مربوط به اثربخشی برنامه‌های آموزش والدین بر اختلالات برونی‌سازی در کودکان. **پژوهش‌های مشاوره**، ۱۸ (۷۰)، ۵۸-۳۵.
- سمیعی زفرقندی، مرتضی؛ غلامی، فوزیه. (۱۳۹۵). نیازسنجی اولیای دانش‌آموزان دختر دوره اول متوسطه. **خانواده و پژوهش**، ۱۳ (۲)، ۳۹-۲۷.
- شهسواری گوغری، مهدیه؛ صباحی زاده، محمود؛ نامی، کلثوم؛ قورچیان، نادرقلی. (۱۳۹۸). ارائه مدلی جهت آموزش خانواده در مدارس (مورد: استان کرمان). **سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت**، ۳ (۴)، ۲۱۴-۲۲۶.
- ضیائی مؤید، محمد؛ آمیغی، هاله. (۱۳۹۹). **پدر و مادر راه‌حل محور برای کودک**. تهران: نشر به‌راه، چاپ اول.
- عصاره، علیرضا؛ نصری، صادق. (۱۳۸۴). بررسی نیازهای آموزشی و تربیتی والدین و دانش‌آموزان مقطع متوسطه کشور در خرده فرهنگ‌های مختلف ایران. **نوآوری‌های آموزشی**، ۴ (۱۴)، ۶۴-۱۰۶.
- فضلی، نرگس و سجادیان، ایلناز. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش فرزندپروری ذهن‌آگاهی بر مشکلات رفتاری کودک و استرس والدگری مادران دارای فرزند مبتلا به اختلال نقص توجه بیش‌فعالی. **دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی**، ۱۷ (۳)، ۲۶-۳۵.

کاظمیان، سمیه؛ شریعتی، صید صدرالدین؛ اسماعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۲). الگوی آموزشی حل تعارضات زناشویی (مستخرج از مبانی انسان شناسی اسلامی و عوامل خوددرمانبخش زوجین). **فرهنگ مشاوره و روان درمانی**، ۴(۱۳): ۱۱-۳۴.

مظاهری، حسن. (۱۳۹۳). بررسی نیازهای آموزشی والدین دانش آموزان دوره دوم متوسطه در کلاس های آموزش خانواده. **خانواده و پژوهش**، ۱۱(۳): ۴۷-۵۸.

مقدم، علیرضا. (۱۳۹۳). آموزش اولیا با فناوری وب ۲: طراحی، اجرا و ارزشیابی یک محیط مجازی. **خانواده و پژوهش**، ۱۱(۱): ۸۷-۱۱۰.

ملایی نژاد، اعظم؛ زین آبادی، حسن رضا؛ کیامنش، علیرضا؛ عباسیان، حسین. (۱۳۹۶). نیازهای آموزشی والدین دانش آموزان دوره ابتدایی در حوزه تربیت اجتماعی. **خانواده و پژوهش**، ۳۷، ۹۱-۱۱۸.

نظری، صدیقه؛ جعفری نیا، غلامرضا؛ گرگین، باقر؛ ماهینی، انسیه. (۱۳۹۹). شناسایی شاخص ها و مؤلفه های برنامه درسی آموزش خانواده مبتنی بر بهبود سبک زندگی دانش آموزان و پیشگیری از آسیب های اجتماعی. **سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت**، ۴(۲): ۱۰۲-۱۱۱.

نورمحمدی، عبدالرضا؛ صحبت یاری، الهام. (۱۴۰۰). **الگوی برنامه درسی آموزش والدین جهت پیشگیری از آسیب جنسی در دانش آموزان**. نخستین همایش ملی تربیت در زیست بوم جدید.

Arapi, E. & Hamel, C. (2021). What Differences between Parents 'and Teachers' Views about their Relationships in Québec (Canada)? **International Journal of Instruction**, 14(3), 309-326.

Burgdorf, V., Szabó, M., & Abbott, M. (2019). The Effect of Mindfulness Interventions for Parents on Parenting Stress and Youth Psychological Outcomes: A Systematic Review and Meta-Analysis. **Front Psychol**. Published online 2019 Jun 6.

Butler-Coyne, H., Hare, D., Walker, S., Wieck, A., & Wittkowski, A. (2017). Acceptability of a positive parenting Programme on a mother and baby unit: Q-methodology with staff. **Journal of Child and Family Studies**, 26(2), 623-632.

Coatsworth, J. D., Timpe, Z., Nix, R., Duncan, L., and Greenberg, M. T. (2018). Changes in Mindful Parenting: Associations with Changes in Parenting, Parent–Youth Relationship Quality, and Youth Behavior. **Journal of the Society for Social Work and Research**, 9(4), 511-529.

Dakir, Fauzi. A. Qadir, A. (2024), Parent Assistance Model in Learning Management in High Schools During the Covid-19 Pandemic. **Pegem Journal of Education and Instruction**, 14(2), 178–183.

Ilma WS, Y. Hidayati, D. & Martaningsih, S. (2024). Addressing Challenges in School-Based Management: Planning for Better Learning and Resource Management. **Journal of Education and Teaching (JET)**, 5(3), 247-263.

Jan-Eric, G. Kajsa, H. (2018). Changes in the Impact of Family Education on Student. **Educational Achievement in Sweden 1988-2014**. 26(5): 719-736.

- Liu, Y., Sulaimani, M. F., & Henning, J. E. (2020). The significance of parental involvement in the development in infancy. **Journal of Educational Research and Practice**, 10(1), 161-166.
- Lury Fel, M. Torregosa. (2023). Impact of School-Based Management (SBM) Implementation on School's Practices and Performance: Addressing Gaps in The Implementation. **International journal of advanced Multidisciplinary Studies IJAMS**, 3(12), eISSN: 2799-0664.
- Morawska, A., Dyah Ramadewi, M., & Sanders, M. R. (2014). Using epidemiological survey data to examine factors influencing participation in parent-training programmes. **Journal of early childhood research**, 12(3), 264-278.
- Newchurch, A. (2017). **The impact of parental involvement on student success: School and family partnership from the perspective of parents and teacher**. (Doctoral dissertation). Bagwell College of Education, Kennesaw State University.
- Paun, C. N. (2024). The Parental Impact on Education: Understanding the Correlation between the Parental Involvement and Academic Results. **Acta Educationis Generalis**, 14(2).
- Qazi, W. A. Rönkä, A. Perälä-Littunen, S. & Eerola, P. (2024). Parents' involvement in their children's education: narratives from rural Pakistan. **Educational Research**, 66(1), 34-50.
- Rosyida, I. Purwanto, A. (2022). **Implementation of School-Based Management to Improve Education Quality at MAN 6 Pidie**. Conference: 5th International Conference on Current Issues in Education.
- Shapiro, C. J. Hill-Chapman, C. Williams, S. (2024). Mandated Parent Education: Applications, Impacts, and Future Directions. **Clinical Child and Family Psychology Review**, 27:300-316.
- Xin, Y. Yu, L. (2024). The Influence of Parents' Educational Expectations on Children's Development: The Chain Mediation Role of Educational Anxiety and Parental Involvement. **Behav. Sci**, 14(9), 779.

Developing a qualitative framework for parent education based on school-based management

Quarterly Journal of Educational Leadership
& Administration

Islamic Azad University Garmsar Branch
Vol.19, No 2, Summer 2025, No.72

Developing a qualitative framework for parent education based on school-based management

Vahid Mehran¹, Yalda Delgoshaei², Baharak Shirzad Kobria³, Mehdi Shariatmadari⁴

Abstract:

Purpose: the present study aimed to identify the elements that constitute the qualitative framework for parent education based on school-based management in secondary schools in Tehran and develop a qualitative framework for it.

Method: The research is applied in terms of purpose; qualitative in terms of data, based on a systematic data-based approach; and exploratory in terms of implementation based on an inductive approach. The statistical population consisted of experts and members of the academic staff of universities and senior education managers, and 20 people were selected for interviews based on a conscious approach and snowball method. including retesting the work method, testing the reliability between coders, and using new interviewees to test the reliability of the model, which showed that the data had the necessary validity.

Findings: The results showed that the qualitative framework of parent education based on school-based management has 153 open codes, 21 central codes in the form of 6 dimensions of the paradigm model, the central category of the framework is; parent education based on school-based management (parent personal capabilities, parents' attitudinal and cognitive competencies, parents' behavioral and skill competencies, and parents' emotional and sentimental competencies); background factors include parents' developmental changes, parents' interaction with each other, and creating an appropriate atmosphere; outcomes included personality development, behavioral development, identity development, and faith and spiritual development.

Conclusion: By using the strategies provided to them by the educational system and school, parents can play an effective role in increasing their children's motivation to study, resolving behavioral and improving their academic achievement.

Keywords: Qualitative framework, parent education, school-based management, secondary schools.

¹ . PhD student, Azad University, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² . Assistant Professor, Department of Educational Governance and Human Capital, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

³ . Associate Professor, Department of Educational Governance and Human Capital, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

⁴ . Assistant Professor, Department of Educational Governance and Human Capital, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.